

---

## مواجهه دین مدارانه با تمدن غرب از منظر رهبری علیه السلام با تأکید بر بیانیه گام دوم

---

یدالله حاجی زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

چگونگی مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی، در گام دوم چهل ساله انقلاب اسلامی ایران، از اهمیت بسیاری برخوردار است. این نوع مواجهه، تنها در صورتی که عقلانی و با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی باشد، بی‌شک موفقیت جامعه اسلامی را در پی خواهد داشت و ما را به سمت تمدن نوین اسلامی رهنمون خواهد شد. سوالی که در این جا مطرح است این است که از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی در گام دوم چهل ساله خویش، چگونه می‌بایست با تمدن غربی مواجه شود؟ واکاوی این موضوع با عنایت به بیانات رهبری - به خصوص آنچه در بیانیه گام دوم آمده - با بهره‌گیری از شیوه توصیفی و تحلیلی، نشان می‌دهد تمدن غرب هرچند جنبه‌های مثبت تمدنی هم دارد، اما بدان جهت که مادی، منحرف، جنایت‌کار، سلطه‌طلب، مهاجم و از جهت اخلاقی فاسد است، نمی‌تواند الگوی جامعه ما در راه پیشرفت باشد. ما باید در مواجهه با این تمدن - با الهام از آموزه‌های

---

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، y.hajizadeh@isca.ac.ir

دینی - مادّیت را در کنار معنویت، علم را همراه با اخلاق، زندگی را با دوری از فساد، و قدرت مادی را همراه با معنویت داشته باشیم.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب، آموزه‌های دینی، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم، تمدن غرب، مواجهه.

## مقدمه

در اینکه نوع مواجهه ما با فرهنگ و تمدن غرب چگونه باید باشد، دیدگاه‌های مختلفی از سوی افراد مختلف اعم از اندیشمندان و غیراندیشمندان مطرح شده و می‌شود. برخی از غرب‌زدگان امثال سید حسن تقی‌زاده و فتحعلی آخوندزاده بر این گمانه بودند که می‌بایست به منظور دستیابی به پیشرفت و تمدن، به همه مظاهر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فن‌آورانه غرب تن دهیم (خواجه سروی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۳). در مقابل، برخی-همانند فردید- از ستیز کامل با غرب سخن گفته‌اند و معتقدند ما به هیچ عنوان نباید از مظاهر فرهنگ و تمدن غربی استفاده کنیم و با آنان تعامل داشته باشیم بنابراین تقابل و ستیز با غرب را پیشنهاد داده‌اند (دیباچ، ۱۳۸۶: ۱۲۰؛ حسنی فر و افروغ، ۱۳۸۹: ۱۲۹). برخی نیز به جهت انتقادهای جدی‌ای که به فرهنگ غربی دارند، معتقدند هر چند ما باید از داشته‌های تمدنی غرب استفاده کنیم و از جهت مادی پیشرفت کنیم اما در عین حال باید سخت مواظب باشیم که فرهنگ غربی- به جهت کاستی‌ها و انحرافاتش که دارد- ما را تحت تاثیر خویش قرار ندهد. افرادی چون سید جمال الدین اسدآبادی، امام خمینی علیه السلام (خمینی، ۱۳۶۸: ۲۷۶/۶)، اقبال لاهوری (اقبال لاهوری، ۱۳۹۷: ۲۰۴) جلال آل احمد، (آل احمد، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۸) شهید مطهری (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۶/۲۴) و دکتر شریعتی (شریعتی، ۱۳۷۷، ۱۲۲) در این طیف جای دارند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز از اندیشمندانی است که در طیف اخیر جای دارد. ایشان فرهنگ و تمدن غرب را مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌ها (بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927) و دارای نقاط مثبت و منفی (بیانات رهبری در خطبه‌های نمازجمعه، ۱۳۷۳/۳/۱۴، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2717)) می‌داند. رهبری ضمن اشاره برخی از خوبی‌های تمدن غرب از جمله توجه جدی‌اش به مقوله علم، از جمله کسانی است که به این تمدن انتقادهای جدی دارد. واکاوی نقطه نظرات و دیدگاه‌های

ایشان در خصوص نوع مواجهه با تمدن غرب- به خصوص در بیانیه گام دوم- نشان می‌دهد ایشان، به عنوان یک عالم دینی و به عنوان شخصیتی صاحب نظر، آگاه، باتجربه و متعادل، با تاثیر از آموزه‌های دینی، راهبردی را در مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی ارائه می‌کند که کاملاً منطبق با آموزه‌های دین است.

در برخی از آیات قرآن بر این امر تأکید شده است و به این نکته اشاره شده که دشمنی قوم و گروهی نباید سبب شود، ما به طور کلی از محور عدالت خارج شویم (مائده، ۸) به تعبیری نوع رابطه و تنفیری که احیاناً نسبت به غریبان وجود دارد، نباید سبب نادیده گرفتن امتیازات درخور آنان شود. به تعبیر شهید مطهری رحمته‌الله علیه «از اخفا و عدم اعتراف به فضیلت دشمن، برای ما فضیلتی درست نمی‌شود. بر عکس (ذکر فضیلت آنها) موجب عبرت و غیرت مسلمانان می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۸: ۳۲).

شناخت نوع نگاه رهبر معظم انقلاب- به عنوان شخصیتی فرهیخته و صاحب نظر و از شاگردان مکتب اسلام- به تمدن غرب می‌تواند راهنمای بسیار خوبی در جهت نوع مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی باشد.

پیش از این مقاله‌ای با عنوان «بررسی گفتمانی امکان گفت و گوی تمدن اسلامی و تمدن غرب مبتنی بر دو نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی» توسط سید علیرضا عالمی در فصلنامه پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی به چاپ رسیده (عالمی، ۱۳۸۶/۴۹-۶۸) که نویسنده عمدتاً بر امکان یا عدم امکان تعامل با غرب از منظر رهبری سخن گفته و به نقش آموزه‌های دینی در رویکرد رهبری در مواجهه با غرب التفات نداشته است. علاوه بر این، زمان نگارش مقاله نیز پیش از انتشار بیانیه گام دوم است، بنابراین طبیعتاً در این مقاله به بیانات رهبری در بیانیه گام دوم پرداخته نشده است.

## مفهوم شناسی

### فرهنگ

واژه فرهنگ در زبان فارسی از دو واژه «فر»+ «هنگ» تشکیل شده است. فر به معنی جلو و پیش و هنگ یا تنگ به معنای کشیدن است. بنابراین فرهنگ در لغت به معنای اعتلا بخشیدن و تعالی دادن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۷/۳۰). این واژه در زبان فارسی به معنای ادب، عقل و خرد، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، دانش، معرفت، عقل، بزرگی، حکمت، هنر، ارزش‌های جامعه، راه و رسم، هم آمده است (معین، ۱۳۸۷: ۲/۲۵۳۸). در زبان انگلیسی Culture به معنای فرهنگ است. واژه Culture که نخستین بار در قرن ۱۱ میلادی در اروپا به کار رفت، دو معنا داشت: ۱- مراسم دینی ۲- کشت و زرع. از قرن ۱۶ میلادی این واژه در بعد معنوی‌اش یعنی توسعه انسانی، پرورش انسانی نیز به کار رفت (کاشفی، ۱۳۸۴/۱۸). درباره تعریف اصطلاحی فرهنگ باید گفت این واژه به دلیل پیچیدگی خاصی که در اثر کاربردهای گوناگونش پیدا شده و به دلیل برداشت‌های متفاوتی که از آن هست، تعریف مورد اتفاقی ندارد (رک: پژوهنده، ۱۳۷۴: ۶۵-۹۴)؛ به گونه‌ای که حتی برخی از تعریف ناپذیری آن سخن گفته‌اند. عموماً نویسندگان، فرهنگ را مجموعه مظاهر معنوی و غیر مادی حیات انسانی دانسته‌اند. یکی از نویسندگان در تعریف این واژه می‌نویسد: «فرهنگ مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و رسوم، اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی است که پایبندی ایشان بدین مفاهیم، اسباب تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل، شده است» (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۲/۱). در این نوشتار مقصود از فرهنگ مجموعه‌ای است از جنبه‌های معنوی زندگی بشری است که شامل ارزش‌ها، ایده‌ها، اندیشه‌ها، عقاید (باورها)، آداب و رسوم، آیین‌ها، سنت‌ها، اخلاقیات و عاداتی است که در میان مردم یک جامعه وجود دارد و ممکن است از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

## تمدن

تمدن از باب تفعل، از نظر لغوی به معنای شهرنشین شدن، شهرنشینی، تخلق به اخلاق اهل شهر، اقامت در شهر و معادل واژه شهرآیینی است (دهخدا، ۱۳۴۳: ۱۵/۹۴۲؛ معین، ۱۳۶۴: ۳/۱۱۳۹). معادل انگلیسی این کلمه Civilization و معادل عربی آن «الحضاره» نیز به معنای شهری شدن و اقامت در شهر است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۱۰۳). درباره تعریف اصطلاحی تمدن نیز- همانند فرهنگ- به جهت پیچیدگی‌هایی که دارد و برداشتهای متفاوتی که از آن شده، اتفاق نظری وجود ندارد. از منظر ویل دورانت تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. چهار رکن و عنصر اساسی تمدن از نظر وی عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (ویل دورانت، ۱۳۶۵: ۳/۱). هنری لوکاس ضمن اذعان به این امر که ارائه تعریفی دقیق از تمدن دشوار است، از یکی بودن مفهوم فرهنگ و تمدن سخن گفته است. (لوکاس، ۱۳۸۲: ۲۰/۱).

برخی از اندیشمندان نیز تمدن را به گونه‌ای عام تعریف کرده‌اند. به عنوان نمونه دکتر شریعتی تمدن را «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی در جامعه انسانی» دانسته و در توضیح این تعریف می‌نویسد: وقتی می‌گوییم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد... مقصود از اندوخته عبارت است از: انباری از تجربه‌ها، داده‌ها و دانش‌ها و قراردادهای اختراع‌های گذشته یا دیگران که به جامعه به میراث می‌رسد (شریعتی، ۱۳۸۶: ۵/۱). مالک بن نبی؛ اندیشمند الجزایری و فوکوتساوا یوکیچی؛ دانشمند ژاپنی نیز تمدن را دارای دو وجهه مادی و معنوی دانسته‌اند (سحمرانی، ۱۳۶۹: ۱۹۸. یوکیچی، ۱۳۶۳: ۱۱). بنابراین بر اساس برخی از تعاریفی که از تمدن شده، این اصطلاح، مفهوم عامی است که شامل فرهنگ نیز می‌شود و رویکرد تمدنی رویکرد عامی است که فرهنگ را نیز در بر دارد.

از منظر رهبری نیز تمدن مفهوم عامی است که شامل فرهنگ نیز می‌شود. ایشان معتقد است تمدن از دو بخش ابزاری و بخش متنی و اصلی (حقیقی) تشکیل شده است. بخش ابزاری عبارت است: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. بخش دوم که بخش متنی، اصلی و حقیقی تمدن نوین از منظر ایشان است، همان سبک زندگی است که رفتارها را نیز در بر می‌گیرد. (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی)

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

بنابراین ایشان تمدن را مفهوم عامی می‌داند که هم شامل نمادهای عینی دستاوردهای بشری می‌شود و هم مفاهیم معنوی را در بر دارد؛ البته با این پیش‌فرض که دومی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است.

### ارزیابی فرهنگ و تمدن غربی

تردیدی نیست که فرهنگ و تمدنی غربی، هم از جنبه‌های خوب و انسانی برخوردار است و هم جنبه‌های منفی و نادرست دارد. به تعبیری دیگر این تمدن هم از امتیازاتی برخوردار است که شایسته جلب است و هم کاستی‌هایی دارد که بایسته طرد است.

### امتیازات فرهنگ و تمدن غربی

یکی از جنبه‌های مثبت تمدن غربی، توجهی است که به خصوص در قرون اخیر به مقوله علم داشته است. این جنبه از تمدن غرب به عنوان یک امتیاز و یک نکته مثبت در کلمات مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره شده است. در بیانیه گام دوم انقلاب، رهبری ضمن اشاره به ضرورت توجه به علم و پژوهش، بر این نکته تأکید دارد که «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ - <https://farsi.khamenei.ir/message->

content?id=41673) در این جا رهبری ضمن اشاره به توانمندی ای که از قبل علم به دست می‌آید، غربِ برخوردار از پیشرفت را، مدیون توجه جدی به مقوله علم دانسته است. رهبری در جای دیگری ضمن اشاره به توجه غرب به علم، در این زمینه می‌فرماید: «... از طریق این علم، ثروت بی‌اندازه هم کشف کردند و به دست آوردند؛ از ثروت‌های زیرزمینی و منابع خدادادی هم حداکثر استفاده را کردند؛ به فضا هم رفتند؛ به اعماق اجسام هم پی بردند...» (بیانات رهبری در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی

.(https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138، ۱۳۸۳/۳/۲۲)

این تعبیر نشان می‌دهد از منظر رهبری، آنچه پیشرفت‌های مادی را برای غرب در ادوار اخیرش فراهم ساخته و آنان را در عرصه‌های مختلف توانمند و قدرتمند ساخته، علم و آگاهی است.

دیگر امتیاز تمدن غربی، توجه به مقوله کار و سخت‌کوشی در مسیر کسب موفقیت است. علی‌رغم سفارشات جدی‌ای که اسلام به کار و تلاش و سخت‌کوشی داشته و از بیکاری و بیکارگی و تنبلی و سربار دیگران بودن نهی کرده (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۲/۴)، در ادوار اخیر این عامل تمدن‌ساز، عمدتاً در غرب مشاهده شده است. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به روحیه سخت‌کوشی و عشق به کار در میان غربیان می‌گوید: «همه دانشمندان معروف غربی که در این چهارصد سال اخیر توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند، با چنین روحیه‌ای توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند، با چنین روحیه‌ای توانسته‌اند به این پیشرفت‌های علمی نائل شوند یعنی با روحیه عشق به کاری که می‌خواهند انجام دهند» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۷۳/۶/۲۹، https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726).

بنابراین از منظر رهبری آنچه موجبات پیشرفت در غرب را فراهم ساخته و جنبه مثبت و امتیاز تمدن غربی به حساب می‌آید و می‌تواند برای ما نیز درس‌آموز باشد، همان سخت‌کوشی و تلاش در جهت اهداف مورد نظر است.

از دیگر امتیازات تمدن غرب به نظم و انضباط در کارها و پیروی از قانون، توجه به سواد



آموزی و حساسیت درباره بهداشت و پاکیزگی عمومی، روحیه آزادی خواهی و خردگرایی (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726>، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

خطرپذیری و شجاعت می توان اشاره کرد.

### کاستی های فرهنگ و تمدن غربی

در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب، مهم تر از امتیازاتی که دارند- و طبیعتاً توجه به آنها می تواند موجبات پیشرفت هر چه بهتر و سریع تر تمدن اسلامی را موجب شود- توجه به انحرافات و کاستی هایی است که این تمدن دارد. این کاستی ها حتی در مواردی سبب شده به طور کلی تمدن غربی زیر سوال رفته و ارزش و اعتبارش به شدت کاهش یابد. به گونه ای که حتی برخی از محققان از فروپاشی تمدن غرب و مرگ تمدن غربی سخن گفته اند (رینگر، ۱۳۶۵؛ بوکانن، ۱۳۸۲) از منظر رهبری نیز فرهنگ و تمدن غرب به عنوان یک فرهنگ مهاجم، در مجموع دارای معایب و کاستی هایی است که آموزه های دینی ما به ما اجازه تقلید از آن را- که جز خسارت برای تقلیدکنندگانش به بار نیاورده- نمی دهد. «ما برای ساختن این بخش [اصلی و اساسی] از تمدن نوین اسلامی [که همان سبک زندگی است]، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت ها تحمیل کنند... تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). رهبری در این جا با تعابیری هشدارگونه، مسلمانان را از تقلید از غرب پرهیز داده و بر این باور است غربی ها به دنبال تحمیل فرهنگ فاجعه بار خویش به سایر ملت ها هستند. بنابراین ما باید در تعامل با غرب به کاستی های انحطاط آفرین فرهنگ و تمدن غربی توجه داشته باشیم.

## تمدنی صرفاً مادی

در آموزه‌های دینی هرچند توجه به مادیات و جنبه‌های ظاهری زندگی به طور کلی نفی نشده است، (قصص، ۷۷). اما صرف توجه به مادیات و غفلت از جنبه‌های معنوی، نوعی انحراف به شمار رفته است. تمدن غرب علی‌رغم همه پیشرفت‌هایش، یک تمدن صرفاً مادی و به تعبیری دین‌ستیز و انسان‌محور و غیر معتقد به باورهای وحیانی است.

در بیانیه گام دوم انقلاب، در یک مورد، رهبری، شرق و غرب را مادی توصیف کرده و بیان می‌کند انقلاب اسلامی در زمانی ظهور کرد که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). تعبیر «مادی» در این جا به نوعی تعریضی است بر انحراف تمدن غرب و شرق که هر دو صرفاً مادی هستند و به جنبه‌های معنوی توجه ندارند.

در تمدن مادی، خدا و دین مورد توجه نیستند، همه چیز بر محور انسان (عقلانیت انسان) و خواسته‌های انسانی و کمالات ظاهری و منافع مادی دور می‌زند. به تعبیری تمدن غربی کمالات ظاهری و منافع مادی را کمالات حقیقی انسان انگاشته و از معنویات گسسته و به سمت مبارزه با مذهب و نهادهای دینی پیش رفته است.

در تمدن مادی غرب، به جهت افراط کاری‌های اربابان کلیسا در قرون وسطی، از قرن نوزدهم میلادی و پس از انقلاب صنعتی، مذهب به عنوان نیرویی ارتجاعی، ضد علمی و ضد دموکراتیک محکوم و کنار گذاشته شد و ماتریالیسم و سکولاریسم، نشان واقعی تمدن غرب شد و این امر به گونه‌ای پیش رفت که یکی از اندیشمندان غربی این ادعا را مطرح کرد که خدا مرده است. وی همچنین این باور را مطرح ساخت که «برادری و برابری و پاسداشت حقوق زنان و رنجبران، مایه فقر و انحطاط است و اینها نه تنها ارزش نیست، بلکه باید نابود شوند و باید اندیشه خدا و آخرت کنار گذاشته شود و مهربانی و مهرورزی و نرم دلی از فرهنگ بشری حذف شود که مهربانی به دیگران از ناتوانی بر می‌خیزد و فروتنی از فرومایگی» (مطهری، ۱۳۷۲: ۳/۵۲۴)! طبیعی است که با حاکمیت چنین گمانه‌هایی، رحم

و مروت و انسان دوستی و مهربانی در میان انسان‌ها کم‌رنگ می‌شود و خشونت و نامهربانی مخصوصاً با طبقه فرودست، جای آن را می‌گیرد. شاید به همین جهت است که کشورهای پیشرفته غربی نتوانستند و یا نخواستند، فقر و تبعیض و بی‌عدالتی موجود در جوامع خویش را برطرف کنند.

مدرنیته‌ای که در سده‌های اخیر و بعد از انقلاب صنعتی در غرب حاکم شد، بین قلمرو علم و دین تضاد و فاصله‌انداخت، دین امری شخصی قلمداد شد و منحصر شد به روزهای یکشنبه آن هم در کلیسا و اجازه نیافت که در امور زندگی انسان دخالت کند. بدون شک رواج این تفکر انحرافی در غرب - که تا حدودی عکس‌العملی نادرست در برابر افراط‌گری‌های نادرست‌تر اربابان کلیسا بوده (جعفری، ۱۳۹۰: ۲۱) - در مواردی سبب کنار گذاشتن آموزه‌های واقعی همه ادیان (حتی اسلام که به شدت از علم و دانش و عدالت و نوع دوستی و مهربانی به دیگران حمایت کرده است) شده است. این امر در اروپا سبب پیدایش نیهیلیسم (پوچ‌گرایی) و امانیسم (انسان محوری) شده و در برهه‌ای که احتمالاً متأثر از تبلیغات برخی از اندیشمندان اروپایی بوده (جهانگیری، ۱۳۸۵: ۱۶۶) سبب رواج موج دین‌گریزی و گرایش به سمت مادیات و ارضاء نیازهای مادی در اروپا و در سایر نقاط جهان شد.

طبیعی است که اگر خواسته‌های مادی و حیوانی انسان و یا به تعبیری اگر «امانیسم» اصیل شد و خدا کنار گذاشته شد، انسان برای رسیدن به آن خواسته‌ها ممکن است هر اقدامی را انجام دهد. جنگ افروزی، استعمار، آدم‌کشی، خون‌ریزی، بمب اتم، سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی و... که در تجربه تاریخی غرب در سده‌های اخیر رخ نموده، همگی شاهدی بر این نوع نگاه است. در قرآن کریم نیز احساس بی‌نیازی از خداوند، عاملی در جهت طغیان و سرکشی انسان معرفی شده است (علق/۷ و ۶).

طبیعتاً چنین نگاهی که عمدتاً از معنویت و اخلاق خالی است، نمی‌تواند موجبات سعادت و رستگاری بشر را فراهم سازد. توجه به همین امور است که سبب شده حضرت

آیت الله خامنه‌ای تمدن غربی را تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت معرفی کند (بیانات رهبری در جمع اساتید، فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴). ایشان می‌گوید: «علت اینکه دانش پیشرفته فوق مدرن تمدن و دنیای غرب قادر نیست بشریت را نجات بدهد همین است که با انسانیت همراه نیست هر جایی که دانش باشد اما وجدان و معنویت و اخلاق و عاطفه و احساسات بشری در آن جا غایب باشد، بشر از آن دانش سودی نخواهد برد. دانش بدون معنویت و اخلاق، بمب اتم می‌شود به جان بی‌گناهان می‌افتد، اسلحه می‌شود غیر نظامیان را در لبنان و فلسطین اشغالی و دیگر مناطق عالم هدف قرار می‌دهد» (بیانات رهبری در دیدار با پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2852>، ۱۳۷۶/۶/۱۹

در این کلمات، رهبری اشاره دارد به دلیل حاکمیت نگاه مادی بر تمدن غربی - که اخلاق، عاطفه و احساسات بشری و معنویت را در نظر ندارد - علوم غرب و پیشرفت‌های مادی آنها نتوانسته بشر را به سمت سعادت و رفاه سوق دهد. علم و آگاهی‌های آنان بعضاً در اختیار کسانی قرار گرفته که با ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، دیگران را به خاک و خون می‌کشند. از منظر رهبری توجه به دنیا و بی‌توجهی به معنویت، لغزشگاه اساسی و بزرگ تمدن امروزی غرب است (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علیمه آیت الله مجتهدی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>، ۱۳۸۳/۳/۲۲

«این تمدن دچار انحطاط و در حال زوال است» «عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» لب‌گودال است این جوری است (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633>، ۱۳۹۸

بنابراین از منظر ایشان فرهنگ و تمدن غربی مادی، منحط و انحطاط آفرین است و نباید ما را تحت تاثیر قرار دهد.

## آلودگی و فساد اخلاقی

آنچه از آموزه‌های دینی برداشت می‌شود این است که فساد و بی‌بندوباری یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط و سقوط جوامع است. (رک: اسراء، ۱۶). نگاهی به واقعیت‌های موجود در جوامع به اصطلاح متمدن غربی نشان می‌دهد یکی از واقعیت‌های تاریخی در آنجا آلودگی و فساد است که خودنمایی می‌کند. در غرب از آزادی انسان سخن گفته شده اما این آزادی با آن آزادی ای که دین بر آن تأکید دارد (آزادی معنوی) متفاوت است. این آزادی که ثمره تفکرات امثال فروید (عصب شناس اتریشی، پدر علم روانکاوی و مخالف سرکوب میل جنسی. رک: مطهری، ۱۳/۱۳۷۲:۴۳۵)، ماکیاولی (اندیشمند ایتالیایی و باورمند به عدم لزوم رعایت معیارهای اخلاقی توسط حاکمان) (رک: ماکیاولی، ۱۱۳:۱۳۷۵) و دیگران است، بشر را در ارضاء خواسته‌های شهوانی و نفسانی اش رها می‌بیند (درباره این نوع از آزادی و مفاسد و چالش‌های آن رک: ج.ا، ۱۳۴۰: ۳۹-۴۵).

مقام معظم رهبری همواره از فرهنگ غربی انتقاد کرده و آن فرهنگی فاسد و منحط معرفی کرده است. در یک مورد ایشان می‌فرماید: برگشت به سمت فرهنگ فاسد و منحط غربی، در جامعه‌ی انقلابی و اسلامی ما محال و ممنوع است. (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2230>، ۱۳۶۸/۹/۱۵)

این تعبیر کاملاً نشان می‌دهد که از منظر رهبری، فرهنگی که در غرب حاکم است، فرهنگی فاسد و انحطاط آفرین است و ما که پیش از انقلاب این فرهنگ را در کشور خویش تجربه کرده‌ایم، هرگز نباید دوباره به این فرهنگ منحط بازگردیم. در جای دیگری نیز ایشان ضمن اشاره به برخی از کاستی‌های تمدن غرب، از انحطاط اخلاقی و لجنزار اخلاق جنسی در غرب سخن گفته است (بیانات در دیدار استادان دانشگاهها، ۱۳۹۲/۵/۱۵،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>)

اما در اینکه چرا این فرهنگ، از منظر رهبری فرهنگی منحط و فاسد است باید گفت از

منظر ایشان یکی از خصوصیات فرهنگی حاکم بر غرب، عادی جلوه دادن گناه است. ایشان در یک مورد ضمن بیان این مطلب می‌فرماید: «فرهنگ غربی... گناه‌های جنسی را عادی می‌کند... این گناه بزرگ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاست‌مدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد. این، فرهنگ غربی است. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

در این جا رهبری به منظور نشان دادن آلودگی و فساد در تمدن غربی، به طور خاص به عادی‌انگاری برخی از گناهان از جمله همجنس‌بازی که در آموزه‌های اسلامی به شدت از آن نهی شده است (اعراف، ۸۰-۸۴) پرداخته است.

جنبه دیگری که ماهیت فسادگونه فرهنگ و تمدن غربی را نشان می‌دهد نوع نگاهی است که آنها به «زنان» دارند. در بیانات رهبری آمده است: «در فرهنگ غربی زن به عنوان یک کالا، به عنوان یک وسیله‌ی تمتع مرد در جامعه عرضه شده است (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388>، ۱۳۹۱/۴/۲۱)

بی‌شک حاکمیت این نگاه سخیف، موجب گسترش فساد و بی‌بندوباری در جامعه غربی شده است.

رهبری در جای دیگری ضمن اشاره به وجود آزادی‌های جنسی در غرب، آن را مخالف آموزه‌های دینی بر شمرده است. «[غربی‌ها] افتخار می‌کنند به بی‌عفتی و برهنگی، افتخار می‌کنند به عدم رعایت اخلاق جنسی؛ یعنی همانی که در روایات ما هست که معروف می‌شود منکر، منکر می‌شود معروف؛ این الان در دنیای غرب تحقق پیدا کرده» (بیانات در

دیدار قهرمانان و ورزشکاران ۱۳۹۳/۱۱/۱-[https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28730)

content?id=28730). در این جا رهبری با عنایت به آموزه‌های دینی که بیان می‌کنند در

برخی از موارد ممکن است در جامعه جای منکرات و معروف جابجا شود (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۹/۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۳/۵) یکی از کاستی‌های تمدن غرب را در همین جابجایی عنوان کرده و از افتخار غربی‌ها به این جابجایی انحطاط آفرین سخن گفته است.

مقام معظم رهبری ضمن اشاره به وجود نقاط مثبت و منفی در فرهنگ و تمدن غربی، در موارد متعددی به این واقعیت پرداخته است که دولت‌های غربی درصددند فرهنگ فساد و اباحه‌گری خویش را به جوامع مسلمان تحمیل کنند. در یک مورد ایشان می‌فرماید: «دولت‌های غربی، سردمداران نظام‌های استکباری و به خصوص آمریکا اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی بندباری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است را به ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۳/۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2717>) و در جای دیگری در سخنی روشن‌گرانه و هشدارگونه می‌فرماید: فرهنگ غربی سعی می‌کند، جوانان مؤمن را از پای بندی‌های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس کردند؛ جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت‌رانی و می‌گساری (بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۵/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>).

در این بیانات، رهبری ضمن اشاره به توطئه‌های غرب در جهت تحمیل فرهنگ فاسد خویش به ملت‌های مسلمان، این فرهنگ را فرهنگ آمیخته با فساد و اباحه‌گری خوانده است و بیان می‌کند که هر زمان آنان این فرهنگ را به مسلمانان تحمیل کردند، جز خسارت، برای مسلمانان چیزی به ارمغان نیاوردند. اشاره رهبری به شکست مسلمانان در اندلس، هشدار جدی و برخاسته از تجربه تلخ تاریخی است که می‌تواند ماهیت فرهنگ غربی را به خوبی به نمایش بگذارد و نوع مواجهه دقیق و هوشیارانه با آن - که برخاسته از آموزه‌های دینی است - را مشخص کند.

بنابراین بدون شک فرهنگ آلودگی و فساد به عنوان فرهنگی نهادینه شده در غرب،

می‌تواند برای جوامع اسلامی بسیار خطرناک و انحطاط‌آفرین باشد. این فرهنگ منحط - از منظر رهبری - قبل از انقلاب نیز به ایران زیان رسانده است. در بخشی از بیانیه گام دوم ضمن اشاره به رشد معنویت و اخلاق پس از پیروزی انقلاب اسلامی آمده است: «دست تطاول تبلیغاتِ مروجِ فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن (معنویت و اخلاق) ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود»

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)  
(content?id=41673)

در جای دیگری از بیانیه گام دوم، ضمن اشاره به سقوط اخلاقی روز افزون غرب، از تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد و موفقیت آنان - که اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده - سخن به میان آمده است

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)  
(content?id=41673)

رهبری در نامه خویش به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی نیز، سیاستمداران و دولتمردان غربی را آگاهانه به جدایی مسیر سیاست‌های خویش از مسیر صداقت و راستی سخن گفته است (رک: [www.leader.ir/fa/content/12784](http://www.leader.ir/fa/content/12784)). بنابراین از منظر رهبری آلودگی و فساد اخلاقی‌ای که در جوامع غربی وجود دارد یکی از مهم‌ترین نواقصی است که فرهنگ و تمدن غربی با آن مواجه است و تا زمانی که این آلودگی و فساد - که بر خلاف آموزه‌های دینی است - بر تمدن غربی حاکم باشد، نمی‌توان آن را تمدنی مطلوب و آرمانی تصور کنیم.

### علم بدون پشتوانه اخلاق

در غرب، «اخلاق» عمدتاً اخلاق انتفاعی و مادی‌گرایانه است و به همین جهت از چندان پشتوانه قوی برخوردار نیست. برخی از اندیشمندان و نظریه پردازان غرب، رعایت



برخی از امور اخلاقی را از آن جهت ضروری می‌دانند که ممکن است این عدم رعایت به ضرر خود آنان تمام شود. راسل می‌گوید: «من گاو همسایه را نمی‌دزدم؛ زیرا می‌دانم که اگر من گاو او را بدزدم، آن همسایه، و یا دیگری گاو مرا می‌دزدد!» او می‌گوید: «آدم فکر می‌کند و می‌بیند که اگر بخواهد با دیگری بد اخلاقی کند، او هم بد اخلاقی می‌کند...» (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۸۹/۲۲) طبیعی است که چنین اخلاقی از پشتوانه قوی برخوردار نیست. به محض این که قدرت یکی، از دیگری برتر شد، این ضمانت برداشته می‌شود. توماس هابز نیز معتقد است: «میزان اخلاق و بنیادش بر سود و زیان است و نیک و بد، امور نسبی هستند... آنچه نفع شخصی و لذت فردی در آن است، همان نیک است» (فروغی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰) بنابراین نظریات اخلاقی‌ای که توسط برخی از بزرگترین اندیشمندان غربی در ادوار اخیر مطرح شده، چندان پشتوانه قوی برای اخلاق مطرح نکرده‌اند. طبیعتاً همین نظریات در غرب و جوامع به اصطلاح متمدن غربی نفوذ یافته و زندگی فردی و اجتماعی بر اساس همین نظریات سامان یافته است.

بر این اساس می‌توان گفت در غرب هرچند علم و دانش به نحو شگفت‌آوری رشد یافته و در حال ترقی است اما چون با پشتوانه‌های معنوی و اخلاقی محکمی همراه نیست، نمی‌تواند سعادت بخش باشد. چرا که علم و آگاهی - به عنوان یکی از مهم‌ترین لوازم رشد و پیشرفت جوامع انسانی - در صورتی موجبات اعتلا و پیشرفت را در جوامع فراهم می‌کند که با پشتوانه درستی از هدف و فلسفه زندگی همراه باشد (رک: مطهری، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۰). در غیر این صورت علم ابزاری می‌شود در خدمت زورمندان و صاحبان قدرت که جهت تثبیت و گسترش قدرت خویش از آن بهره‌گیرند.

یکی از کاستی‌های تمدن غرب از منظر رهبری همین مقوله سوء استفاده از علم است. در بیانیه گام دوم انقلاب، ایشان ضمن اشاره به ضرورت توجه به علم و پژوهش، به عنوان آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت بر این نکته تأکید دارد که «دنیای غرب توانست ... با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع

عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). در این جا رهبری بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی در غرب را ضعیف و کم ارزش معرفی کرده است. امری که سبب می‌شود، علم و آگاهی نیز کارکرد اصلی خویش را از دست بدهد. رهبری در جای دیگری ضمن اشاره به توجه غرب به علم، از استفاده‌های مشروع و نامشروع آنان از علوم خویش سخن گفته است و اشاره دارد جهان غرب از «علم» هرچند در جهت پیشرفت و تمدن بهره برد، اما از علم خویش سوء استفاده زیادی نیز کرد. ایشان می‌گوید: «غربی‌ها... با همین علم استعمار کردند؛ کشتارهای گوناگون جهانی کردند؛ میلیون‌ها انسان را اروپایی‌ها در قرن اخیر و در جنگ‌های مختلف و حوادث گوناگون کشتند؛ بنابراین این‌ها در علم مشکلی نداشتند؛ اما علم بدون هدایت و فضیلت و معنویت و انسانیت، و علم ناظر فقط به دنیا و غمض عین از آخرت، نتیجه‌اش همین است (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی ۱۳۸۳/۳/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech->، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=1138).

از منظر رهبری علم بدون پشتوانه معنویت و اخلاق بر وحشی‌گری غرب افزوده و آنان به خصوص آمریکا را تبدیل به کشوری جنایتکار کرده است. در بیانیه گام دوم، رهبری در دو مورد از آمریکا-که سمبل علم و صنعت و پیشرفت در جهان به حساب می‌آید- به عنوان کشوری جنایت‌کار یاد کرده است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). در نامه رهبری به جوانان اروپایی و آمریکایی نیز آمده است: «محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ‌های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می‌کنند» ([www.leader.ir/fa/content/12784](http://www.leader.ir/fa/content/12784)). بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت هرچند غربیان از جهت علم و فناوری به پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای دست یافتند اما همین علم چون پشتوانه اخلاقی درستی

نداشت، در مواردی در راه‌های نامشروعی چون استعمار سایر کشورها، کشتارهای جمعی، جنگ، ساخت سلاح‌های نامتعارف و بسیار مخرب به کار گرفته شد.

### فرهنگ مهاجم، سلطه طلب و مخرب

از منظر رهبری از دیگر خصوصیات منفی فرهنگ و تمدن غربی، تهاجمی بودن، سلطه طلبی و نابودکنندگی آن است. تهاجم غرب در برخی از موارد سبب نابودی برخی از فرهنگ‌های بومی شده است. «فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده ی فرهنگ‌هاست. هرجا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند...». رهبری در ادامه به طور خاص از تهاجم فرهنگ غربی به ایران سخن گفته است. ایشان می‌فرماید: «در ایران نیز در دوران پهلوی، غربی‌ها با استفاده از عوامل و نفوذی‌ها و وابستگان خویش فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند... فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هرجا وارد شود، هویت‌زدائی می‌کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱). این تعابیر نشان دهنده این است که تهاجم و ویران‌گری تمدن غرب تنها به خط و زبان و تاریخ سایر ملت‌ها نیست، بلکه آنان به افکار و باورهای آنان نیز حمله کرده و جنبه‌های معنوی را به جنبه‌های مادی تبدیل می‌کنند و تلاش می‌کنند هویت اصلی دیگر ملت‌ها را از بین برده و فرهنگ منحط خویش را جایگزین آن کنند.

از سوی دیگر تمدن غرب، با نفوذ بر سایر کشورها تمدنی سلطه طلب به شمار می‌رود. سلطه سیاسی و اقتصادی غرب در قرون اخیر-که ناشی از تفکر تصرف جهان و سلطه بر سایر کشورها پدید آمد- آنان را به سلطه طلبی در زمینه فرهنگ نیز کشاند. آنان به این باور رسیدند که فرهنگشان از سایر فرهنگ‌ها بهتر و ارزشمندتر است به همین جهت تلاش

کردند-همان‌گونه که اشاره شد- این فرهنگ را به سایر کشورها خصوصاً کشورهای که استعمار کرده بودند و یا بر آنان نفوذ داشتند تحمیل کنند. آیت الله خامنه‌ای ضمن اشاره به سلطه طلبی فرهنگی به عنوان یک عیب در فرهنگ غربی به عنوان یک نمونه و شاهد، به «کروات» به عنوان یک پدیده غربی مثال می‌زند و اشاره دارد غربی‌ها تلاش دارند این فرهنگ را به دیگران نیز تحمیل کنند. ایشان می‌گویند: از منظر غربی‌ها چنانچه شما کروات نزدیک، یک آدم بی‌ادب محسوب می‌شوید! ... اگر کت و شلوار پوشیدید، باید پاپیون و کروات را بزنید؛ و الا در فلان مجلس رسمی راه ندارید؛ یک آدم بی‌ادب و غیرمنضبط و بی‌نزاکت تلقی می‌شوید! این، آن تحمیل فرهنگ غربی است» (بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>).

بنابراین از منظر رهبری فرهنگ غرب، فرهنگی مهاجم و سلطه طلب است و غربی به منظور سلطه بر سایر ملت‌ها و کشورها تلاش می‌کنند فرهنگ خویش را فرهنگی متعالی و برتر از سایر فرهنگ‌ها معرفی کنند، بنابراین فرهنگ دیگران را با تحمیل فرهنگ منحط خویش تخریب می‌کنند.

### نوع مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی

در ادامه این پژوهش باید به این سوال مهم پاسخ داد که با خصوصیات و ویژگی‌هایی که تمدن غربی دارد و به آنها اشاره شد- از منظر مقام معظم رهبری- نوع مواجهه ما با فرهنگ‌ها و تمدن‌های بیگانه و به طور خاص فرهنگ و تمدن غربی چگونه باید باشد، آیا ما می‌توانیم با آنان ارتباط داشته باشیم؟ قبل از بیان این امر خلاصه‌وار باید گفت در آموزه‌های دینی ارتباط با غیرمسلمانان نه تنها نفی نشده بلکه در برخی از موارد، مورد سفارش نیز هست.

قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت علم و حکمت تأکید کرده (علق ۱-۵؛ زمر، ۹؛ مجادله ۱۱، آل عمران ۱۸) و به پیروان خویش توصیه می‌کند سخنان دیگران را بشنوند و بهترین آنها را برگزینند (زمر/۱۷-۱۸). در احادیث نیز به این نکته توجه داده شده است که

علم و حکمت را هر کجا (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱۷) و در دست هر کس پیدا کردید، آن را فرا گیرید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۰۲). این فراگیری چه بسا از منافقان یا مشرکان باشد (نهج البلاغه، حکمت ۷۹ / ۴۸۱؛ برقی، ۱۳۷۴: ۱ / ۲۳۰). وجود این احادیث، مسلمانان را به رواداری و ارتباط با غیر مسلمانان به خصوص در دریافت علوم و فناوری‌های آنان فرا می‌خوانده است. (رک: مطهری، ۱۳۸۵: ۳۸۸) مقام معظم رهبری بر اساس همین آموزه‌ها معتقد است: نوع نگاه ما به تمدن غرب و فرهنگ غربی نباید تماماً منفی باشد چرا که فرهنگ و تمدن غربی یک سری جنبه‌های خوب دارد و یک سری جنبه‌های منفی و بد، ما باید نقاط منفی تمدن غرب را طرد کنیم و نقاط مثبت آنها را بگیریم. ایشان همچنین اشاره دارد: «نفی غرب به هیچ وجه به معنی نفی تکنولوژی و علم و پیشرفت و تجربه‌های غرب نیست» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از جوانان، ۱۳۷۸/۱۱/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>). ایشان در جای دیگری و با طول و تفصیل بیشتری بر همین ایده تأکید کرده است: «فرهنگ غرب، مجموعه‌یی از زیبایی‌ها و زشتی‌هاست. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است؛ نه، مثل هر فرهنگ دیگری، حتماً زیبایی‌هایی هم دارد. هیچ کس با هیچ فرهنگ بیگانه‌یی این‌گونه برخورد نمی‌کند که بگوید که ما در خانه‌مان را صددرصد روی این فرهنگ ببندیم؛ نه، فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دیگر دنیا، یک فرهنگ است که مجموعه‌یی از خوبی‌ها و بدی‌هاست؛ و یک ملت عاقل و یک مجموعه‌ی خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش اضافه می‌کند، فرهنگ خودش را غنی می‌کند و آن بدی‌ها را رد می‌کند... این اصل کلی است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از جوانان ۱۳۷۸/۱۱/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>) این عبارات کاملاً گویای نوع نگاه رهبری در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب است. در حقیقت ایشان با الهام از آموزه‌های اسلامی که همواره به اخذ علوم و معارف حتی از کافران و بی‌دینان سفارش کرده، ایده مذکور را مطرح کرده است. مطلبی که موید گفتار فوق است

این است که رهبری اولاً؛ بر این باور است گذشته پر افتخاری که مسلمانان دارند به جهت الهام‌گیری از آموزه‌های اسلامی است. ایشان خطاب به جوانان غربی از آنان می‌خواهد بررسی کنند و ببینند «اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟ (www.leader.ir/fa/content/12784). ثانیاً؛ رهبری در مورد دیگری ابتدا مطلبی را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد زیر بنای فکری ایشان در کسب موفقیت و پیشرفت، توجه جدی به آموزه‌های دینی است، ایشان می‌فرماید: «ما معارفی در قرآن داریم، مفاهیمی در قرآن داریم که این مفاهیم حقیقتاً سازنده‌ی زندگی مقتدرانه و عزتمندانه‌ی امت اسلامی است» سپس در ادامه این ایده را مطرح می‌کند که در مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی نه جنگ و درگیری لازم است و نه عدم ارتباط و عدم تبادل معلومات، ارتباط باید وجود داشته باشد اما ما باید با حفظ هویت دینی و ایمانی استقلال خویش را در برابر غرب حفظ کرده و به پیش ببریم. ایشان سپس ضمن اشاره به آیه «فَمَنْ يَكْفُر بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» (بقره: ۲۵۶) و بیان این مطلب که عالم وجود به دو منطقه نفوذ طاغوت و الله تقسیم شده است و ما باید به الله ایمان آوریم، می‌فرماید: «این به معنای این نیست که ما دائم بایستی با هر کسی که در هویت کفر است بجنگیم؛ این معنایش مقاتله نیست؛ این معنایش عدم ارتباط هم نیست؛ این معنایش [عدم] تبادل معلومات هم نیست؛ این معنایش استقلال هویت ایمانی و مرزبندی هویت ایمانی است تا [انسان] بتواند در مقابل هویت طاغوت و هویت کفر، خودش را حفظ کند، نگه دارد، تکمیل کند، رو به پیشرفت حرکت کند (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36331>). این تفسیر از آیه مذکور، ضمن اینکه نشان می‌دهد، رهبری بر این باور است که ما باید با غرب تعامل داشته باشیم و نمی‌توانیم به طور کلی ارتباط خویش را با تمدن غربی قطع کنیم، نشان از این است که پایه‌های اندیشه‌های رهبری مبتنی بر آموزه‌های دینی است. بنابراین از منظر

ایشان، مواجهه ما با فرهنگ غربی نباید سبب شود، ما هویت دینی و اسلامی خویش را از دست بدهیم.

در بخش دیگری از بیانیه این مطلب بیان شده که «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست...» این تعبیر نشان می‌دهد سیاست جمهوری اسلامی، سیاستی متحجرانه و مخالف با تمدن نیست و اصولاً عدم بهره‌گیری از مظاهر مادی تمدن، خود نوعی تحجر و پسرفت به حساب می‌آید.

بنابراین از منظر رهبری لازم پیشرفت و لازمه زندگی در دنیای امروز داشتن ارتباط با بیگانگان و به طور خاص تمدن غربی است. اما در اینکه نوع این ارتباط و مواجهه چگونه باید باشد، در ادامه این نوشتار- با توجه به جنبه‌های خاصی که فرهنگ و تمدن غرب دارد- نوع مواجهه نیز آمده است.

#### حفظ دین در کنار دنیا (معنویت در کنار مادیات)

در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری ضمن اشاره به جنبه مادی تمدن غرب و اشاره به این نکته که انقلاب اسلامی چارچوب‌های مادی جهان آن روز را به هم ریخت، بیان می‌کند که «این انقلاب، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) این تعبیر نشان می‌دهد ایشان ضمن اشاره به کاستی تمدن غرب که صرفاً به جنبه‌های مادی توجه کرده، معتقد است این مسیر، مسیری نادرست به شمار می‌رود. «مسیری که ما از همان ابتدا در برابر غرب گشودیم، یعنی توجه به دو جنبه مادی و معنوی در کنار هم، مسیری درست است و ما در گام دوم انقلاب نیز همین مسیر را «با حفظ و پایبندی به شعارهای خود می‌بایست ادامه دهیم و به پیش رویم» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). پیشتر اشاره شد که در دین اسلام نیز توجه به هر دو جنبه مادی و معنوی، از پیروان این دین خواسته شده است.

رهبری ضمن خرده‌گیری بر تمدن غرب به جهت بی‌توجهی به مقوله معنویت از ابتناء تمدن بر معنویت سخن گفته (بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۱/۵/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20729>) و از منافات نداشتن تدین و تمدن گفته است. «تدین و تمدن، چرا باید با هم منافاتی داشته باشند؟ تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن - جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا- اینها با هم چه منافاتی دارند؟! انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند؛ کمالین که خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدین بودند...» (گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2873>).

دقت در این سخنان نشان می‌دهد رهبری به جهت ایمان و اعتقاد به اسلام و آموزه‌های تمدن ساز این دین، برخلاف فرهنگ و تمدن غربی که معنویت را از مادیت جدا کرده، بر توجه جدی به مقوله معنویت تأکید کرده است.

### مبارزه با فساد و ایجاد صلاح

از منظر رهبری، فرهنگ غربی، در بسیاری از موارد فرهنگی منحط است و ما نباید تحت تاثیر رفتارهای نادرست غربیان قرار گیریم. در یک مورد ایشان به ادب اسلامی و تلاشی که غرب در جهت تخریب این فرهنگ متعالی دارد پرداخته است و هشدار می‌دهد که ما باید مواظب باشیم، تحت تاثیر این فرهنگ نادرست غربی قرار نگیریم. ایشان می‌گوید: فرنگی‌ها در برخوردهای معمولی‌شان خیلی مقید به ادب نیستند؛ ما ایرانی‌ها از قدیم معروف بودیم به اینکه در گفتارهایمان، در مخاطباتمان ملاحظه‌ی ادب را می‌کنیم؛ احترام طرف مقابل را حفظ می‌کنیم. اینها می‌خواهند این را عوض کنند و متأسفانه یک جاهایی هم موفق شده‌اند. فرض کنید شما با یکی مخالفت کنید، می‌خواهید راجع به او حرف بزنید؛ دوجور می‌شود حرف زد: یک جور می‌شود هتاکانه و بی‌باکانه و بی‌ادبانه حرف زد؛



یک جور هم می‌شود مؤدب حرف زد. شما ببینید در قرآن کریم در بسیاری از موارد وقتی صحبت از فاسقین است، صحبت از کافرین است، صحبت از بدهای اشرار عالم است، می‌فرماید: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» نمی‌گویند همه‌ی آنها، بالاخره یک اقلی هستند بین همین‌ها که اینها تعقل دارند (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31847>) دقت در این بیانات نشان می‌دهد از منظر رهبری فرهنگ غربی در صورتی که با فرهنگ اسلامی همخوان نباشد، نباید مورد پذیرش ما قرار گیرد. یک نمونه اش اینکه آموزه‌های اسلامی به ما یاد داده‌اند که در برخورد با دیگران می‌بایست ادب را رعایت کرد.

بخشی از فرهنگ غربی، همان‌گونه که بیان شد، فرهنگی فاسد است و از منظر رهبری «فساد اخلاقی توده چرکین کشورها و نظام‌هاست که اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ای ویران‌گر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) به منظور مقابله با این چالش جدی، رهبری بارها به خصوص در بیانیه گام دوم، از اهمیت معنویت و اخلاق سخن گفته است. رهبری ضمن اشاره به فساد و بی‌اخلاقی در غرب، به منظور مقابله با فرهنگ غربی می‌نویسد: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند»

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message->

[content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673))

این بیانات نشان می‌دهد از منظر رهبری، غرب به جهت غلبه فسادهای اخلاقی در بدنه حکومت‌هایشان و رواج آن در بین توده‌های مردمشان، در مسیر انحطاط و سقوط گام بر می‌داد و ما می‌بایست در مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی، با الهام از آموزه‌های اسلام که همواره بر اخلاق و فضیلت‌های اخلاقی تأکید دارند (بقره، ۸۳، ۲۴۵، نساء ۵۸، آل عمران ۱۰۴، توبه ۱۱۹) حرکت کنیم تا به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت دست یابیم.

در بخش دیگری از بیانیه گام دوم، از تهاجم فرهنگی روز افزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و حتی خردسالان سخن به میان آمده و خواستار مقابله با آن شده است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

مبارزه با فساد و سبک زندگی غربی از سر فصل‌های اساسی توصیه‌های در بیانیه گام دوم است، ایشان در این بیانیه ضمن ایراد به سبک زندگی غربی به عنوان یکی از عوامل سلطه غرب بر سیاست و اقتصاد کشورهای اسلامی (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) اصلاح سبک زندگی را از سرفصل‌هایی اساسی توصیه‌های خویش به جوانان برشمرده است و درباره سبک زندگی می‌فرماید: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است».

این بیانات نشان می‌دهد آنچه موجبات نگرانی رهبری را در این زمینه فراهم ساخته، تلاشی است که غرب در جهت ترویج سبک زندگی غربی در ایران در پیش گرفته است و می‌طلبد که این تلاش‌ها رصد شده و با الهام از آموزه‌های دینی، راهکارهای موثر و پایدار جهت مقابله با آنها ارائه شده و به عنوان فرهنگ عمومی درآید.

### کاربست علم همراه با اخلاق

از منظر رهبری علم پایه تمدن است اما شرط کافی برای یک مدنیت درست

نیست (بیانات در دیدار استادان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3175>) در تمدن مادی غرب- همان گونه که اشاره شد- به جهت غلبه تفکر مادی گرایانه و منفعت طلبانه بر آن، خشونت و نامهربانی، جای مهربانی و نرم دلی را گرفته است. رحم و مروت و انسان دوستی و مهربانی کم رنگ شده است. امری که طبیعتاً به نوبه خود سبب انجام جنایت های بی سابقه علیه بشریت شده استعلم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است چرا که علم بدون معنویت همان چیزی می شود که تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی با که روش های پیچیده علمی توانست موفقیت های بزرگی به دست آورد اما به لحاظ معنویت دچار عظیم ترین خسارت ها شد. تأکید بر کاربست اخلاق و معنویت به همراه علم، به جهت قدرتی است که از قبیل علم به دست می آید. طبیعی است که این قدرت اگر همراه با اخلاق نباشد، در حقیقت همانند تیغی است که در دست یک زنگی مست قرار گرفته است و هر زمان ممکن است با کمک آن جنایتی صورت گیرد. رهبری می فرماید مثال گویای سوء استفاده از علم استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته ای در قتل عام مردم بیگناه هیروشیما و ناکازاکی است. در آموزه های اسلامی همواره ضمن تأکید بر علم، بر معنویت و اخلاق و مهربانی با دیگران تأکید شده است (نهج البلاغه (صبحی الصالح)، نامه ۵۳ / ۴۲۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابلاغ رسالت خویش، مأمور به نرم دلی و مهربانی با دیگران شده است و خداوند در قرآن کریم همین امر را سبب گرایش مردم به اسلام خوانده است (آل عمران، ۱۵۹).

در بیانیه گام دوم توجه به مقوله علم و دانش از سرفصل های اساسی توصیه های رهبری است. ایشان معتقد است ما نباید تحت تاثیر تمدن غربی که علم بدون اخلاق را در دستور کار خویش داشته اند، قرار بگیریم بلکه باید با الهام از آموزه های دینی، که همواره بر علم و رعایت انسانیت و اخلاق تأکید کرده، علم اخلاق مدار را سرلوحه کار خویش قرار دهیم. در بخشی از بیانیه گام دوم آمده است: «ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد،

توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)  
(content?id=41673

ایشان در یکی از دیدارهای خویش ضمن اشاره به برخی از خصوصیات تمدن غرب از جمله گرفتار شدن در لجنزار اخلاق جنسی می‌فرماید «...ما این را به هیچ وجه نمی‌پسندیم ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم که یک الگوی اسلامی و ایرانی است از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد و از سنت‌های ایرانی بهره می‌برد

(بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۹۲/۵/۱۵، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451)  
(content?id=23451

این تعابیر نشان می‌دهد از منظر رهبری نوع مواجهه ما با تمدن غربی نباید مواجهه‌ای منفعلانه باشد. ما باید الگوی خویش را در مسیر دست‌یابی به تمدن از آموزه‌های مترقی اسلامی دریافت کنیم.

یکی دیگر از بیانات رهبری که موید لزوم کاربست علم همراه با اخلاق است چنین است: «در ایجاد تمدن اسلامی ملت باید اسلام و تعالیم پیامبر ﷺ را اجرا کنند. تعالیمی که جهت ساختن تمدن نوین اسلامی است و با اصول غرب برای بشریت متفاوت است و تمدن نوین به معنای اعمال زور و تصرف سرزمین‌ها و تحمیل اخلاق بر ملت‌ها نیست بلکه به معنای نشان دادن اخلاق و رفتار و اصول صحیح زندگی است تا با انتخاب درست، مسیر را بیمایند (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>).

این تعابیر نشان می‌دهد که مسیر ما در جهت دست‌یابی به تمدن اسلامی مسیری اسلامی و اخلاق‌مدرانه است و با مسیر تمدن غربی متفاوت است.

رهبری در مورد دیگری از خلا معنویت در غرب سخن گفته و به منظور رفع توهم

«مخالفت بدون دلیل با تمدن غربی»، در یک مورد می فرماید: مخالفت مؤمن به اسلام با تمدن غربی به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه‌ی با خرافات و علمی کردن همه‌ی روابط اجتماعی نیست؛ به خاطر خلأ معنویت و فضیلت در این مجموعه‌ی دنیایی است (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>). در این جا رهبری، ضمن بیان انحراف غرب در جهت بهره برداری از دانش، اشاره دارد ما مسلمانان - به جهت ایمان و اعتقاد به اسلام و آموزه‌های اسلامی - با غرب بدان جهت مخالفیم که بر خلاف آموزه‌های دینی، به معنویت و اخلاق پایبند نیست.

### مخالفت با سلطه غرب

اسلام هرگونه سلطه بیگانگان بر مسلمانان و جامعه اسلامی رد کرده و قابل پذیرش نمی‌داند (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۵). به همین جهت در آیین اسلام هر نوع داد و ستدی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، ناروا است و فقها از این مطلب تحت عنوان «قاعده نفی سیل» یاد می‌کنند (رحمانی، ۱۳۸۲).

### نتیجه گیری

جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از رهبران فرزانه و حکیم و با حمایت و پشتیبانی مردم مسلمان، وارد چهل سال دوم انقلاب خویش شده و گام دوم خویش را در جهت دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی آغاز کرده است. یکی از مهم‌ترین مسائل این نظام، چگونگی مواجهه با تمدن غربی است. رهبری انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان شخصیتی اندیشمند، با تجربه و آگاه، به خصوص در بیانیه گام دوم انقلاب که در حقیقت منشوری در جهت دست‌یابی آسان‌تر به تمدن نوین اسلامی است، مسیر صحیح را به ملت مسلمان ایران نشان داده است. ایشان با توجه به واقعیت و ماهیت تمدن غرب که - علی‌رغم برخورداری از برخی از جنبه‌های مثبت - تمدنی صرفاً مادی، آلوده و فاسد، تمدن علم

بی توجه به اخلاق و معنویت و تمدنی مهاجم، ویرانگر و سلطه طلب است، از حفظ دین در کنار دنیا، مبارزه با فساد، کاربست علم همراه با اخلاق و معنویت و مخالفت با سلطه غرب سخن گفته است. تأمل در بیانات ایشان نشان گر این است که رهبری با الهام از آموزه های تمدن ساز دین اسلام که در قرآن کریم و روایات پیشوایان دینی آمده اند، این راهبرد را پیش روی ملت ایران نهاده، تا با بهره گیری از این آموزه ها به اوج قله های پیشرفت و تعالی و یا همان تمدن نوین اسلامی دست یابد.

## منابع

### قرآن کریم

- نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم: موسسه دارالهجره، بی تا.  
۱. آل احمد، جلال، ۱۳۹۶، غرب زدگی، تهران، فرهنگ روز.  
۲. ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.  
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، دار صادر.  
۴. اقبال لاهوری، محمد، ۱۳۹۷، احیای فکر دینی، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت

### سهامی انتشار.

۵. برقی، احمد بن محمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۴، محاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه.  
۶. بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.  
۷. بیانات رهبری در جمع اساتید، فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.  
۸. بیانات رهبری در جمع دانشجویان، ۱۳۷۳/۶/۲۹.  
۹. بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۳/۳/۱۴.  
۱۰. بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۵/۱۳۹۱.  
۱۱. بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۹۲/۵/۱۵.  
۱۲. بیانات رهبری در دیدار استادان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.  
۱۳. بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران،

۱۳۶۸/۹/۱۵

۱۴. بیانات رهبری در دیدار با پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار،

۱۳۷۶/۶/۱۹

۱۵. بیانات رهبری در دیدار جمعی از نخبگان، ۱۳۷۳/۶/۲۹.  
۱۶. بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.  
۱۷. بیانات رهبری در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی،

۱۳۹۱/۴/۲۱

۱۸. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷.
۱۹. بیانات رهبری در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲.
۲۰. بیانات رهبری در دیدار قهرمانان و ورزشکاران ۱۳۹۳/۱۱/۱.
۲۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸.
۲۲. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
۲۳. بوکانن، پاتریک جوزف، ۱۳۸۲، مرگ غرب، بی‌جا، غرب شناسی.
۲۴. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
۲۵. پژوهنده، محمد حسین، ۱۳۷۴، «مفهوم فرهنگ از دیدگاه متفکران»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۲.
۲۶. ج. ۱، ماهیت واقعی تمدن غرب، ۱۳۴۰، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سوم، شماره ۵.
۲۷. جعفری، اسمر، ۱۳۹۰، تمدن اسلام و غرب، نشریه آموزش معارف اسلامی، دوره ۳۳، شماره ۴.
۲۸. جهانگیری، محسن، ۱۳۸۵، احوال و آثار و آراء فرانسیس بیکن، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۹. حسنی فر، عبدالرحمن و عماد افروغ، ۱۳۸۹، بررسی نقدهای سید احمد فردید بر لیبرلیسم و غرب، پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۴۵.
۳۰. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه‌السلام).
۳۱. خواجه سروی، غلامرضا و دیگران، ۱۳۹۵، تیپ شناسی نحوه مواجهه روشنفکران و نخبگان ایرانی با تمدن غرب، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره ۲.



۳۲. سحمرانی، اسعد، ۱۳۶۹، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمه صادق آئینه وند، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. رینگر، رابرت، ۱۳۶۵، فروپاشی تمدن غرب، ترجمه احمد تقی پور، تهران، رسام.
۳۴. شریعتی، علی، ۱۳۷۷، ویژگی‌های قرون جدید، تهران، چاپخش.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۳۶. دیباج، سید موسی، ۱۳۸۶، آراء و عقاید سید احمد فرید، تهران، علم.
۳۷. رحمانی، محمد، ۱۳۸۲، قاعده نفی سیل از منظر فریقین، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۶.
۳۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالتراث.
۳۹. عالمی، سید علیرضا، ۱۳۹۶، بررسی گفتمانی امکان گفت و گوی تمدن اسلامی و تمدن غرب مبتنی بر دو نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی، پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، سال اول، شماره ۲.
۴۰. کاشفی، محمدرضا، ۱۳۸۴، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، کافی، تهران، اسلامیه.
۴۲. گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.
۴۳. لوکاس، هنری، ۱۳۸۲، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: سخن.
۴۴. ماکیاولی، نیکولو، شهریار، ۱۳۷۵، ترجمه داریوش آشوری، تهران، نشر مرکز.
۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، تهران، صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، سی و دوم، صدرا.
۴۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مجموعه آثار، تهران، صدرا.

۴۸. معین، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی، تهران، زرین.
۴۹. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۴، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
۵۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن، (مشرق زمین گاهواره تمدن)، ۱۳۶۵، ترجمه احمد آرام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۵۱. یوکیچی، فوکوتساوا، ۱۳۶۳، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گیو.
۵۲. فروغی، محمد علی، ۱۳۸۹، سیر حکمت در اروپا، تهران، شرکت نشر کتاب هرمس.

. [www.leader.ir/fa/content/1278453](http://www.leader.ir/fa/content/1278453)

۵۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: [khamenei.ir](http://khamenei.ir)